

خواستگاری‌های متعدد معمولا به بدترین انتخاب می‌انجامد!

برخی برای انتخاب همسر محدودیت زمانی تعیین می‌کنند و با خواستگاری‌های متعدد، بالاخره همسر انتخاب می‌کنند. اما محققین می‌گویند این افراد اغلب بدترین انتخاب را دارند که شباهتی هم به معیارهایشان ندارد.

برخی برای انتخاب همسر محدودیت زمانی تعیین می‌کنند و با خواستگاری‌های متعدد، بالاخره همسر انتخاب می‌کنند. اما محققین می‌گویند این افراد اغلب بدترین انتخاب را دارند که شباهتی هم به معیارهایشان ندارد.

بهنوش خرم‌روز: افراد به شیوه‌های مختلفی همسر خود را انتخاب می‌کنند. برخی بر این باورند که بالاخره روزی با همسر رویایی خود رو برو خواهند شد، برخی به شانس و تصادف عقیده دارند، برخی بر عهده خانواده می‌گذارند و برخی هم ازدواج را وابسته به شرایطی می‌دانند که فراهم شدن آن‌ها، زمان ازدواج را تعیین می‌کند. در این دسته، چه در مورد خانم‌ها و چه در مورد آقایان، به خصوص در کشور ما، گروهی وجود دارند که وقتی به سن خاصی رسیدند و اوضاع نسبتا باثباتی از نظر مالی یا تحصیلی یا مانند آن پیدا کردند، تصمیم می‌گیرند که ازدواج کنند و برای آن محدوده زمانی هم تعیین می‌کنند. بعد از آن خواستگاری رفتن‌های مکرر یا میزبان خواستگاری‌های فراوان بودن، برنامه دوره‌ای از زندگی خانواده‌ها می‌شود تا بالاخره فرد ازدواج کند. اما، آیا این روش مناسبی است؟

به گفته محققین، انسان و البته برخی دیگر از جانوران می‌توانند تا حدی تنوع را تحمل کنند، اما از حد که گذشت دچار سردرگمی می‌شوند و شاید حتی بدترین انتخاب را داشته باشند. مثال ساده این مورد را می‌توانید در فهرست‌های بسیار طولانی غذای رستوران‌ها تجربه کنید که وقتی زیادی طولانی باشد، معمولا انتخاب خوبی نخواهید داشت.

به گزارش دیسکاوری، محققین بر این باورند که این محدودیت به اجداد ما برمی‌گردد. الیسون لنتون، از محققین دانشکده روان‌شناسی دانشگاه ادینبورگ چنین توضیح می‌دهد: «#171؛ اجداد ما در اجتماعاتی بسیار کوچک‌تر زندگی می‌کرده‌اند و هیچ‌وقت با سطح تنوعی که بشر امروزه با آن مواجه است، روبرو نبوده است. به نظر می‌رسد که ذهن ما محدودیت دارد، اگر چه بسته به شرایط می‌تواند خودش را با سطح تنوع متداول در زندگی روزمره وفق دهد.»

محققین برای مطالعه تاثیر این محدودیت در فرایند انتخاب همسر به طور خاص، از 1868 زن و 1870 مرد خواستند که در مطالعه آن‌ها شرکت کنند. شرکت‌کنندگان اطلاعاتی مانند سن، وزن، قد، تحصیلات، مذهب، شغل و عاداتی مثل سیگار کشیدن را در فرم‌های مطالعه ثبت کردند. بعد در 84 گروه تقسیم شدند و افراد هر گروه، می‌توانستند افراد جنس مخالف را فقط به مدت 3 دقیقه ببینند. همه باید طی 48 ساعت تصمیم می‌گرفتند و به محققین اطلاع می‌دادند که چه کسی را انتخاب می‌کردند.

نتیجه برای محققین بسیار جالب بود. برخی از افراد نتوانستند کسی را انتخاب کنند. کسانی هم که موفق به انتخاب شدند، کسی را انتخاب کردند که کم‌ترین شباهت را به معیارهای از پیش اعلام‌شده داشت. اما چرا این اتفاق افتاد؟

محققین بر این باورند که مسئله به نحوه قضاوت ما برمی‌گردد. ما انسان‌ها گرایش داریم برای انتخاب، نسبی قضاوت کنیم و معمولا قضاوت‌های ما مطلق نیست. بنابراین، به جای این که فاکتورها را با ایده‌آل خود بسنجیم، آن‌ها را با هم مقایسه می‌کنیم. بنابراین وقتی فرد با گزینه‌های فراوان مواجه می‌شود، با انبوهی از عوامل روبرو شده که باید آن‌ها را با هم مقایسه کند.

در نهایت، مواجهه با دنیایی از عوامل مختلف باعث می‌شود که مغز فرایند انتخاب را رها کند. به گفته محققین، شاید به همین دلیل به خصوص در شهرهای بزرگ، شاهد بالا رفتن سن ازدواج هستیم. چون بین این همه آدم متنوع، فرد برای انتخاب آن‌قدر عوامل زیادی را باید در نظر بگیرد و با هم مقایسه کند که در نهایت از خیرش می‌گذرد.

بنابراین، یا در زمان بسیار کم خود را با گزینه‌های فراوان مواجه نکنید، یا دست کم فهرستی از معیارهای خود را به صورت مکتوب داشته باشید و برای مقایسه از آن استفاده کنید نه این که آدم‌ها را با هم مقایسه کنید. به علاوه حتما نیاز دارید که فاکتورهای خود را اولویت‌بندی کنید.